انترناسیونال ۷۰۹

**در تدارک اول ماه مه، روز جهانی کارگر**

متن پیاده شده گفتگوی شهلا دانشفر با اصغر کریمی در برنامه تلویزیونی سازمانده

***شهلا دانشفر:*** *در شرایط ویژه ای به طرف روز جهانی کارگر میرویم. سالی پر از تحرک و اعتراض و مبارزه را پشت سر گذاشته ایم و فضای محیط های کارگری و کل جامعه را می بینیم. در این شرایط می بینیم که تحرکاتی برای برگزاری روز جهانی کارگر هست، در میان کارگران، تشکلهای کارگری، فعالین کارگری، در زندان و در سطوح مختلف ، قبل از هر چیز خوبست نگاهی به این تحرکات بکنیم. چه خبر است؟*

**اصغر کریمی:** با توجه به اینکه یکسال گذشته پرتحرک ترین دوره جنبش کارگری در تاریخ ایران بوده، و چند هزار تجمع و اعتصاب کارگری صورت گرفته، معلمان و بازنشستگان بعنوان مثال خیلی حضور اعتراضی فعالی داشتند بنابراین انتظار میرود که اول مه بسیار پرشوری داشته باشیم و طیف وسیعی از کارگران و خانواده های کارگری و مردم در تجمعات شرکت کنند. انتشار بیانیه ها شروع شده، ۱۷ نفر از زندانیان سیاسی مثل بهنام ابراهیم زاده، سعید ماسوری، حسن صادقی و تعدادی دیگر که بیانیه خیلی خوبی منتشر کرده اند، خواست هایشان را مطرح کرده اند، به امنیتی کردن اعتراضات و سیستم قضایی و کل این وضعیت اعتراض کرده اند، و گفته اند این بیانیه فقط اعتراض ما نیست بیان اعتراض همه مردم به این وضعیت است. اتفاق جالب دیگر اینکه حدود ۴۰ انجمن کارگران ساختمانی از سراسر کشور، از کردستان و آذربایجان و خراسان و گیلان و مازندران و قم و شهرهایی دیگر بیانیه مشترک به مناسبت روز جهانی کارگر داده اند، تشکل های کارگری دیگری مثل اتحادیه آزاد و کمیته پیگیری و هماهنگی و کانون مدافعان و سندیکای هفته تپه و سندیکای واحد و غیره هم یا بیانیه داده اند یا تحرکاتی را شروع میکنند. اسماعیل عبدی از فعالین سرشناس کانون صنفی معلمان از زندان اعلام کرده است که از روز ده اردیبهشت دست به اعتصاب غذا میزند، ده اردیبهشت سالروز بیانیه مشترک او و جعفر عظیم زاده است که در آستانه اول مه منتشر شد که به امنیتی کردن اعتراضات کارگران و معلمان اعتراض کرده بودند. امسال هم در آستانه اول مه کم و بیش با همان خواست ها بیانیه ای منتشر کرده و به استقبال اول مه رفته است. این تحرکات شروع شده و تا اول مه تحرکات بیشتر میشود. و انتظار میرود امسال در مراکز مختلف کارگری که در سال گذشته اعتراضات متعددی داشته اند شاهد تحرک بالایی باشیم.

**شهلا دانشفر:** در کنار این تحرکاتی که اشاره کردید، بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران است، در سالگرد بیانیه مشترک اسماعیل عبدی و جعفر عظیم زاده از زندان در سال گذشته در آستانه اول مه دادند و بیانیه مهمی بود که جنبشی به راه انداخت. این جنبشی بود علیه فقر، علیه ریاضت اقتصادی، علیه دستمزدهای چند بار زیر خط فقر و با تاکید بر اینکه باید به امنیتی کردن مبارزات خاتمه داد. باید پرونده های امنیتی علیه فعالین کارگری، معلمان و بخش های مختلف جامعه که بخاطر مبارزاتشان برای آنها باز شده است و تحت پیگرد قرار گرفته اند، بسته شود و باید احکام صادر شده زندان برای آنان لغو شود و باید تمامی آنهایی که در زندانند آزاد شوند و پیگردها متوقف شود. این مهم است که دوباره اتحادیه آزاد معلمان و کارگران را فراخوان میدهد که بیایید با مبارزه متحد خود با همان خواستها در آستانه روز جهانی کارگر جلو بیاییم و روز جهانی کارگر را برگزار کنیم. همینطور کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری بیانیه خود را به مناسبت روز جهانی کارگر داده است که یک بند آن اتفاقا مربوط به همین موضوع است و در آن دیگر خواستهای مشخص قطعنامه های کارگران که اساسا اعتراض به زندگی زیر خط فقر، تبعیض و نابرابری و خواست داشتن یک زندگی انسانی است. و میدانیم که نفس اعتراض علیه امنیتی کردن مبارزات و جوهر اساسی آن یعنی تاکید بر حق تشکل، حق اعتصاب و دیگر آزادیهای سیاسی پایه ای در جامعه. خصوصا در اوضاع امروز جنبش کارگری که می بینیم در آستانه تحول عظیمی قرار داریم برای امر تشکلیابی توده ای کارگری. بنابراین اگر خواست خاتمه دادن به امنیتی کردن مبارزات را به موضوع ایجاد تشکلهای توده ای کارگری چفت کنیم می بینیم که این خواست چه جایگاه مهمی در پیشبرد امر تشکلیابی کارگری دارد. همینطور جمع هایی از کارگران بیانیه هایی داده اند.از جمله هم اکنون پنج جمع کارگری از جنوب و کرج و غیره بیانیه داده اند و خواستهایی را به مناسبت روز جهانی کارگر اعلام کرده و به استقبال این روز رفته اند. اما برویم سراغ سوالاتمان.

اصغر کریمی قدم بعدی چیست؟ چه کارهای دیگری باید کرد که با توجه به موقعیتی که امروز در آن قرار داریم، بتوانیم یک اول مه گسترده و اجتماعی را سازمان دهیم؟ انتظار شما از اول مه چیست و چه تاکیدات دیگری دارید؟

**اصغر کریمی:** همانطور که اشاره کردم ببینیم چه بخش هایی از کارگران در سال گذشته اعتراض داشته اند که بعضا به گوشه ای از خواست هایشان هم رسیده اند مثلا ۵ ماه حقوق معوقه داشته اند موفق شده اند با اعتراض خود دو سه ماه آنرا بگیرند. یا موفق شده اند جلو بستن کارخانه یا برخی اخراج ها را بگیرند. اما خواست های کارگران سر جای خود هست خطر اخراج، دستمزدهای پایین، ندادن دستمزدها، پرونده های مختلفی که علیه فعالین اعتصابات در بافق و چادرملو و مراکز مختلف درست شده و شمشیر زندان و پرونده را بالای سر کارگران نگهداشته اند که همه این پرونده ها باید لغو شود و فعالیت برای متشکل کردن کارگران بدون هزینه باشد، در واقع میلیون ها کارگر از مراکز مختلف کارگری، معلمان، صدها هزار بازنشسته چه معلمان چه کارگران وابسته به سازمان تامین اجتماعی یا فولاد و غیره، و خانواده های آنها که در سال گذشته خیلی پرشور در تجمعات اعتراضی شرکت داشتند و این خصلتنمای جنبش کارگری در سال قبل بود، اول مه هم که روز همه اینها است انتظار میرود جمع شوند، جشن بگیرند، حالت شادی داشته باشند، مردم را از خواست هایشان و وضعیت خودشان مطلع کنند و به صفوف خود دعوت کنند، و نه تنها آنها بلکه در هر شهری بازنشسته ها و معلمان و دانشجویان و جوانان جویای کار هم هستند و این مهمترین قدمی است که اگر بخواهیم یک ا ول مه بزرگ و اجتماعی داشته باشیم باید برداشته شود. اگر اینکار را بکنند در مبارزه برای افزایش دستمزد و متشکل شدن و جلوگیری از اخراج و غیره در موقعیت بسیار قویتری قرار میگیرند، در موقعیت متحدتری قرار میگیرند با اعتماد بنفس بیشر وآمادگی و روحیه بالاتری در سطح کشور قرار میگیرند.

این یکی از مهمترین اتفاقاتی است که باید اول مه بیفتد. اگر دولت میتوانست جلو اینهمه اعتصاب و تجمع را میگرفت، جلو شعار یه اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه را میگرفت، جلو شعار زیر بار ستم نمیکنیم زندگی که کارگران هپکو در خیابان های اراک و سپس بازنشسته ها در مقابل مجلس فریاد میزدند را، میگرفت. جلو اینها را نتوانست بگیرد. جلو خیلی چیزها را خواسته اند بگیرند و نتوانستند. جلو تجمع کارگران در اول مه را هم نمیتواند بگیرد که روز همه کارگران و مردم است و حتی خود حکومت هم مجبور شده بدرجه ای آنرا به رسمیت بشناسد و شوراهای اسلامی وابسته به حکومت هم برنامه برگزار میکنند. در نتیجه از هر نظر این امکان و این فضا برای اول مه وجود دارد. کسی نمیتواند جلو کارگران بافق و چادرملو و ایران ترانسفو و المهدی در هرمزگان و تهران و استانهای مرکزی و آذربایجان و خوزستان و کردستان و غیره را بگیرد که خانواده های کارگری میخواهند بیایند بیرون جشن بگیرند، یا روی پلاکاردی بنویسند زنده باد اول مه و خواست هایشان را مطرح کنند. این عملی است و اگر این کار را نکنیم خطا است. و نه تنها کارگر و معلم و بازنشسته و پرستاران و غیره بلکه دانشجویانی که نود درصدشان از خانواده های کارگری هستند و در شرایط اقتصادی بدی دارند تحصیل میکنند با بیانیه درخشانی که سال قبل دادند از آنها هم انتظار میرود تحرک را شروع کنند، در دانشگاهها مراسم بگیرند و یا به تجمع کارگران بپیوندند. صدها مرکز دانشجویی میتوانند یکی از موتورهای محرک اول مه باشند یا میلیون ها جوان بیکار، از جوانان ته لنجی های آبادان که اخیرا راهپیمایی کردند یا جوانان بهبهان که برای کار دست به تجمعات اعتراضی زدند و دستفروشان و غیره همه اینها نیروهای بزرگ و وسیع اول مه هستند و صحبت من خطاب به همه اینها است که اول مه متعلق به همه شما است.

**شهلا دانشفر:** نکات اصلی را در واقع اشاره کردید. بد نیست من هم به چند نکته اشاره کنم. اول بیانیه های مشترک. خواستهای کارگران، معلمان، بازنشستگان، جوانان و ... امروز میدانی شده و به شعارهای خیابانی در بسیاری از اعتراضات تبدیل شده است. یعنی دیگر در سطح قطعنامه ها و بیانیه ها و جلسات معین محدود نمانده است، این خواستها را می بینیم که می آیند و در تجمعات هزاران نفره مقابل مجلس فریاد میزنند. بیانیه فراگیر دانشجویان با استقبال کارگر و معلم و بخش های مختلف جامعه روبرو میشود. یعنی اینکه قبلا این گفتمان ها صورت گرفته است. تدارک روز جهانی کارگر به یک معنا میدانی صورت گرفته است. بنابراین اینها می تواند ماتریال و محتوای بیانیه های اول ماه مه باشد. امروز بیش از هر وقتی بخش های مختلف طبقه کارگر به هم نزدیکند. مبارزاتشان به هم گره خورده است. اول مه باید این قدرت همبستگی و اتحاد را نمایش دهد. کارگر و معلم امروز بیش از هر وقتی کنار هم قرار گرفته اند. کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار و دانشجو بیش از هر وقتی به هم نزدیکند. به همین دلیل یک فعال کارگری، یک رهبر کارگری، انتظار میرود که اگر خود را صاحب این روز و ناجی جامعه از شر سرمایه داری حاکم میداند با این دیدگاه به موضوع نگاه کند و برود سراغ بخش های مختلف جامعه و بگوید این بیانیه همه ماست شما هم بیایید آنرا امضا کنید. شما نهادهای دفاع از حقوق کودک، شما نهادهای دفاع از حقوق زن، شما نهادهای اعتراض علیه تخریب محیط زیست که یکی از مصائب بشریت تحت حاکمیت سرمایه داری است و شما بخش های مختلف معترض مردم بیایید این را امضا کنید. در این صورت یک نقطه قوت روز جهانی کارگر میتواند این باشد که بطور مثال ٥٠ نهاد معترض با همدیگر بیایند و چنین بیانیه ای را امضا کنند که کیفرخواست جامعه علیه کل توحش سرمایه داری حاکم باشد. این همبستگی و اتحاد مبارزاتی مهم است و باید خود را در روز جهانی کارگر نشان دهد. اینها انتظاراتی است که دارم به آن اشاره میکنم. میدانم تلاش هست. ولی من دارم از ممکن بودن ها و موانع ذهنی ای که باید کنار زد تا اول مه گسترده و قدرتمندی برگزار کرد، اشاره میکنم.

**اصغر کریمی:** اجازه بدید به صحبت های شما نکته ای اضافه کنم. من فراموش کردم به پرستاران و کلا پرسنل بیمارستان ها اشاره کنم و حتی بسیاری از پزشکان که خودشان را کنار پرستاران میبینند و به قشر مفتخوری که ماهی صدمیلیون حقوق میگیرند تعلق ندارند، همه اینها باید اول مه را متعلق به خودشان ببینند. بیانیه ابزار خوبی برای متحد کردن و دخیل کردن طیف وسیعی از مردم است. این بیانیه ها را باید کوچه به کوچه و شهر به شهر به مردم داد امضا کنند با چند خواست ساده که طب رایگان و تحصیل رایگان میخواهیم، دستمزد بهتر میخواهیم، زندگی میخواهیم داشته باشیم، رفاه میخواهیم میخواهیم آزاد باشیم که متشکل شویم، اعدام نمیخواهیم،‌ کودک باید حرمت و رفاه داشته باشد، این خواست ها خواست های همه مردم است در واقع اگر بیانیه ساده ای با چند خواست عموم مردم داشته باشیم چرا مردم شهر نتوانند امضا کنند؟ میتوان بیانیه تشکل های کارگری را به هزاران هزار مردم هم داد امضا کنند.

**شهلا دانشفر:** دقیقا همینطور است. این بیانیه ها در واقع جمعبندی آن تجمعات هزاران نفره ایست که در جامعه صورت میگیرد. بیش از ده هزار نفر کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار، در همین روزهای آخر سال ٩٥ جمع شدند و این بیانیه ها بیانگر خواستهای متحد آنها است.

**اصغر کریمی:** هر کدام از این جمعیت ده هزار نفره میتوانند به ٥٠ نفر بدهند که این بیانیه ها را امضا کنند.

**شهلا دانشفر:** دقیقا اینطور است و خانواده هایشان آنرا امضا کنند. و اینجاست که جای خانواده ها که گفتید در محلات و غیره جمع شوند، خودش را آشکارتر نشان میدهد. اگر اول مه قرار است روز قدرتنمایی ما کارگران، ما مردم علیه توحش سرمایه داری حاکم باشد، جای خانواده ها که همین امروز در میدانند برجسته تر میشود. همچنین یک ابتکار جالب میتواند این باشد که هر کارخانه به مناسبت اول ماه مه، پرچم زنده باد روز جهانی کارگر را بر سر در کارخانه نصب کند. و عکس بگیرد و رسانه ای کند. در هر شهری هم اکنون دهها مرکز کارگری در اعتراض است. همانروز کارگرانی که دستمزد نگرفته اند، کارگرانی که علیه بیکارسازی ها در اعتراض هستند. پرچم گرامیداشت اول مه را باید نصب کنند و خواستهایشان را اعلام کنند.

**اصغر کریمی:** مثلا کارگران هپکو همانطور که در راهپیمایی شان، آرم هپکو را داشتند، اتفاقا خیلی خوب است که در تجمعاتی که در اول مه میتوانند در مراکز شهرها داشته باشند، پلاکارد زنده باد اول ماه مه با آرم هپکو یا روغن نباتی زنجان یا ترانسفو و غیره را داشته باشد و مراکز مختلف کارگری مثلا کارگران کارخانجات آوانگان، روغن نباتی جهان، ترانسفو، فولاد و غیره هم به همین صورت.

**شهلا دانشفر:** این کار رنگ دیگری به اول ماه مه میدهد و اینها تجربیات جنبش کارگری نیز هست. در اولین اول ماه مه بعد از انقلاب ٥٧ کارخانجات مختلف با پرچم های خودشان که اسم کارخانه شان روی آن نوشته شده بود، به خیابان آمده بودند و خانواده ها شرکت داشتند و جمعیت بنا بر آمارها به نیم میلیون میرسید. بویژه اینکه روز جهانی کارگر اساسا روز اعتراض علیه سرمایه داری است و اتفاقا جنبش کارگری و جامعه ایران بیش از هر وقتی دارد بنیانهای سرمایه داری را زیر تعرض خودش قرار میدهد. حتی شعار علیه بربریت سرمایه داری نیز امروز میدانی شده است. خط فقر را قبول نمیکنیم شعار مردم نیست. میگویند ملک نجومی تو ما را بی مسکن کرده. یعنی در واقع به چالش کشیدن تبعیض، نابرابری و کل نظام سرمایه داری.

اصغر کریمی ما از تحرکات در جنبش کارگری صحبت کردیم. اما تحرکات جریانات راست چیست و در قبال آنها چه باید کرد؟

**اصغر کریمی:** اینقدر کارگران در طول این ۳۸ سال برای اول مه تلاش کردند که به شوراهای اسلامی هم تحمیل شده که کاری بکنند. در واقع جمهوری اسلامی دید نمیتواند فیزیکی جلو کارگران را بگیرد تلاش میکند به کمک شوراهای اسلامی کارگران را منحرف کنند. مثلا سال قبل در اول مه که روز اتحاد جهانی کارگران است شوراهای اسلامی بیشرمانه سیاستی نژادپرستانه در پیش گرفتند و بیکاری را به گردن کارگران مهاجر و افغانی گذاشتند تا به کارگر بگویند بیکاری شما مقصرش جمهوری اسلامی و سرمایه داران و این نظام نیستند، مفتخوران و اختلاس کننده ها نیستند، بلکه بخشی از کارگران هستند. این سیاست شوراهای اسلامی و کانون عالی شوراهای اسلامی بود همان ها که دستمزد چندرغاز را امضا میکنند و مهر تایید بر آن میزنند. کارگران باید تماما صفشان را از اینها جدا کنند. اینها تسمه نقاله های حکومت در کارخانه ها هستند، تشکل های سیاه وابسته به حکومت. کارگران در اول مه باید تجمعات مستقل خودشان را داشته باشند. بعلاوه در میتینگ های انتخاباتی حکومتی ها و هر جا که کارگران میتوانند باید پلاکاردهای خودشان و خواست های خودشان را مطرح کنند. علاوه بر شوراهای اسلامی جریانات ناسیونالیست و قومپرست هم هستند که کارشان تفرقه ایجاد کردن میان بخش های مختلف کارگران است. هر کارگری که از اتحاد حرف میزند و میگوید کارگر آذربایجانی و سیستانی و کردستانی و خوزستانی و تهرانی و غیره باید متحد باشد دارد با انواع ناسیونالیسم و قومپرستی و فرقه گرایی و انواع گرایشات ارتجاعی مقابله میکند. جریانات سلطنت طلب هم هستند که حاضر نیستند حتی چهار خواست ساده کارگر مثل دستمزد و بیمه و حق تشکل و غیره را مطرح کنند. کارگران باید در مقابل همه اینها بایستند و بر اتحاد خودشان پافشاری کنند. به هر رو مساله اساسی این است که کارگر بگوید اول مه همراه با بقیه کارگران در سراسر جهان به خیابان میایم و نشان میدهم که توسری خور و بیچاره و مستعضف نیستم، صفاتی که حکومتی ها به کارگر میدهند تا کارگر را توسری خور و بیچاره و بدبخت بکنند. کارگر باید نشان بدهد که به همه چیز جامعه حساس است، پرچم تحصیل رایگان و بهداشت رایگان و آزادیها و همه خواست های جامعه را بلند کند و توجه جامعه را به خود جلب کند. اول مه بگوید خیابان ها مال من است بیرون میایم و با بقیه مردم شهر جشن میگیرم و خواست های خودم را مطرح میکنم.

**شهلا دانشفر:** اول مه بیش از هر وقتی چهره ضد کارگری شورای اسلامی و خانه کارگر را می بینیم. اینها یک پای برگزاری هفته دولت هستند به اسم "هفته کارگر". شعارشان اقتصاد مقاومتی است که همان تاکید بر سیاست ریاضت اقتصادی است و خامنه ای سال ٩٦ را به این اسم نامگذاری کرده است. و شعارهای دیگرشان در جهت داغ کردن تنور مضحکه انتخابات حکومت است. کارگر هر چه قدرتمند تر ظاهر شود. با بیانیه های مشترکش اتحاد طبقاتی خود را به نمایش بگذارد و اجتماعی تر به تدارک روز جهانی کارگر برود، به همان درجه این تشکلهای دست ساز حکومتی و جریانات راست را از سر راهش کنار زده است. در اول مه که خصلتا ضد سرمایه داری است، جایی برای قومگرایی نیست. جایی برای ناسیونالیسم نیست. جایی برای تحجر و عقب ماندگی نیست. و جایی برای ضدیت با کارگر نیست. اول مه روز اتحاد کارگران است. به همین دلیل می بینیم که قطعنامه های کارگری هر سال کیفرخواستی علیه بربریت سرمایه داری است. آخرین تاکیدات شما اصغر کریمی در آخرین لحظات برنامه چیست؟

**اصغر کریمی:** کارگران، پرستاران و معلمان، دانشجویان و بازنشستگان و تمام نهادهایی که شما هم اشاره کردید، در دفاع از محیط زیست یا حقوق زن یا حقوق کارگر یا علیه اعدام و هر نهادی که برای یک خواست انسانی مبارزه میکند باید اول مه را مال خود بدانند در این صورت در مبارزه برای خواست هایشان قویتر میشوند. امیدوارم بتوانند و تلاش کنند که بیانیه های مشترک کارگر و معلم و پرستار و دانشجو را منتشر کنند که بسیار سمبلیک است بعنوان نمایندگان ۹۹ درصدی های جامعه علیه یک درصد مفتخور حاکم. که این وضعیت را به سر مردم آورده اند. مردم هم باید جبهه شان را مثل بالایی ها که علیرغم هر اختلافی که دارند در سرکوب و بیحقوقی مردم متحدند، متحد ظاهر شوند و نمایندگانشان که در این تشکل ها و جمع ها هستند بیانیه هایشان را در سطح شهرها به امضای مردم برسانند و یک اول مه واقعا تاریخی شکل بدهند.

**شهلا دانشفر:** اول مه یک روز است. ولی میتوانی یک روزی باشد که اتحاد طبقاتی ما را تقویت کند و سرآغاز خوبی برای سال ٩٦ باشد.